



رومی و بهاره

روایتی به نظم پارسی
از نمایشنامه "رومنوژولیت" اثر شکسپیر

سینا عزت منش

آوا گلزار

سرشناسه

عنوان و نام پدید آور

: عزت منش، سینا، ۱۳۷۰-

: رومی و بهاره: روایتی به نظم پارسی از نمایشنامه «رومئو و ژولیت»
شکسپیر/ سراینده سینا عزت منش؛ تصویرگر نرگس سادات شهرآئینی.

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

: فیپا

: شکسپیر، ویلیام، ۱۶۱-۱۵۶۴م. رومئو و ژولیت-- اقتباس‌ها

: شعر فارسی-- قرن ۱۴

: شهرآئینی، نرگس سادات، تصویرگر

: ۱۳۹۳ ز / ۲۹ / ۸۳۵۴ PIR

: ۸۱۶۲/۴

: ۳۷۲۱۸۵۵



سینا عزت منش

رومی و بهاره

■ ناشر

■ تصویرگر و طراح جلد

■ خوشنویسی روی تصاویر

■ صفحه آرای و تنظیم

■ نوبت چاپ

■ لیتوگرافی، چاپ

■ شمارگان

■ بها

: آوای کلار

: نرگس شهرآئینی

: زهرا اربابی نژاد

: مژگان اعتصامی

: نخست ۱۳۹۴

: کانون آگهی و تبلیغات آوای کلار

: ۱۲۰۰

: ۲۹۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

تهران- انتشارات آوای کلار- ص. پ: ۶۵۵-۱۹۵۸۵

تلفکس: ۲۲۵۸۹۲۳۴

www.avayekelar.ir

پخش www.danielpress.net

تلفن پخش: ۸۸۳۵۸۷۰۹

فهرست

۷	 پیشگفتار
۹	 نیایش
۱۲	 زمین دل
۱۵	 آغاز داستان
۱۶	 سخن گفتن مادر با بهاره
۱۸	 سخن گفتن رومی با بنویو درباره‌ی وزاین
۲۰	 رفتن رومی به بزم کاپیولت و دیدار او با بهاره
۲۴	 پرسیدن بهاره از دایه نام رومی را
۲۵	 گفتگوی رومی و بهاره در شب
۳۱	 راز گفتن بهاره با دایه
۳۲	 مناجات بهاره با پروردگار
۳۴	 سخن گفتن رومی با راهب
۳۶	 باز آمدن دایه به نزد بهاره و مرده دادن
۳۶	 در عشق و نکاح
۳۷	 عقد نکاح بستن رومی با بهاره
۴۰	 جنگ جستن توپال و آشتی جُستن رومی
۴۲	 عتاب کردن مرکوش با رومی
۴۴	 نبرد مرکوش با توپال و کشته شدن مرکوش
۴۵	 زاری کردن رومی بر بیکر مرکوش و کشتن رومی توپال را
۴۹	 داوری بُردن به نزد شاهِ رم و حکم کردن شاه به تبعید رومی

- ۵۲..... گفتارِ رومی با راهب
- ۵۴..... آگاهانیدنِ دایه بهاره را از تبعیدِ رومی
- ۵۶..... شبِ وداعِ رومی با بهاره
- ۶۳..... خواستگاری کردنِ پاریس بهاره را دیگر بار
- ۷۰..... عتاب کردنِ پدر با بهاره
- ۷۳..... رفتنِ بهاره بر سرِ بام برای کُشتنِ خویش
- ۷۵..... سخن گفتنِ بهاره با آفریدگان و راز گفتنِ او با رومی
- ۷۷..... دوان رفتنِ بهاره به دیر و دیدنِ او پاریس را
- ۷۹..... نیاز بُردنِ بهاره به راهب
- ۸۱..... رفتنِ رومی به شهرِ خطوا
- ۸۳..... عذر خواستنِ بهاره از پدر
- ۸۸..... شیون کردنِ اهلِ خانه بر بهاره و به خاک سپردنِ او
- ۹۱..... نامه نگاشتنِ راهب برای رومی
- ۹۳..... خبر دادنِ بلتسر رومی را از مرگِ بهاره
- ۹۹..... زهر خریدنِ رومی از داروگر
- ۱۰۲..... جان دادنِ رومی در کنارِ بهاره
- ۱۰۴..... شکافتنِ بهاره سینه‌ی خود را به خنجر
- ۱۰۸..... پایانِ داستان
- ۱۱۳..... واژه‌نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

محتوای اشعار کهن فارسی حقیقت و عشقی است که مرزهای زمانی و مکانی را درمی‌نوردد؛ اگر نظامی گنجوی داستان «لیلی و مجنون» را - که در اصل عربی است - به پارسی می‌سراید، و اگر ملّامسیح پانی‌پتی داستان «رام و سیتا» را - که در اصل هندی است - در نظم پارسی بازگو می‌کند، بدین سبب است که آفتاب عشق در خاور و باختر یکسان می‌تابد؛ و رومی و تازی و پارسی نزدیکِ وی یکسان است.

داستان «رومی و بهاره» برگرفته از نمایشنامه‌ی مشهور «رومئو و ژولیت» است که شکسپیر آن را در سال ۱۵۹۵ میلادی نگاشته است. داستان در شهری از شهرهای ایتالیا می‌گذرد: جایی که دشمنی بین دو خانواده‌ی مونتآگیو (مونتآغ) و کاپیولت (فرازان) آرامش را از شهر گرفته است. رومئو (رومی)، جوانی از خانواده‌ی مونتآگیو، دل‌باخته‌ی ژولیت (بهاره) دختری از خانواده‌ی کاپیولت می‌شود. هرچند رومئو و ژولیت با هم ازدواج می‌کنند، با هم بودن آنها پنهانی‌ست و تنها

با گذشتن از دروازه‌ی مرگ است که این دو دل‌داده به وصال یکدیگر می‌رسند؛ و کینه‌ی دیرینِ دو خانواده نیز به محبت بدل می‌شود.

چه بسا خوانندگان سبک و بیان «رومی و بهاره» را کهن دانند و سراینده را به کهن‌گویی عیب کنند؛ اما چون معنی داستان عشق است - و عشق حقیقتی کهن است - معنی کهن را در لفظ کهن باید گفت، تا در میان لفظ و معنا الفت و اتفاق حاصل شود؛ همچنان که ویلیام شکسپیر نیز گفته است:

For as the sun is daily new and old,
So is my love still telling what is told.

چون شمس که هر روز نو است و کهن است
و گفتن گفته، هنر عشق من است

در پایان از استاد بزرگوارم جناب آقای علی اکبر ترابیان، که از راهنمایی‌ها و پیشنهادهای ارزشمند ایشان بهره‌مند شدم؛ از خانم مهشید علوی طوسی، که اگر تلاش‌های ایشان نبود چاپ این کتاب هیچ‌گاه میسر نمی‌شد؛ از هنرمند گرامی خانم نرگس سادات شهرآیینی، که اشعار کتاب را در دیبای زیبای تصویر آراستند؛ و از مدیران محترم نشر آوای کلار، خانم آراسته بیداربخت و آقای کوروش فقیه نصیری، که چاپ این کتاب را پذیرفتند، کمال تشکر و تقدیر را دارم.

سینا عزت منش

۱۰ دی ماه ۱۳۹۳